

نشریه فرهنگی اجتماعی سروش

شماره دوم_تابستان ۱۴۰۰

۵/۵۰۵۰۰/۹۱۱/۱۰۰



در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۸ بود که با تلاش های فراوان، اولین شماره نشریه سروش منتشر شد. در گرماگرم تلاش برای انتشار دومین شماره از نشریه بود که با شیوع ناگهانی بیماری کرونا، تمام اقدامات گروه ناتمام ماند. حال پس از حدود دو سال وقفه، دومین شماره از نشریه سروش منتشر می شود. امید است که با یاری یزدان پاک و همراهی عزیزانمان، بر تمامی موانع این مسیر، فائق آییم.

در پایان واجب می دانم که از تمامی عزیزانی که در انتشار این شماره از نشریه ما را یاری نمودند، چه عزیزانی که نامشان در فهرست ذکر شده و چه عزیزانی که ذکر نشده مانند آقایان علی پیران، اسماعیل بیابانی و... قدردانی نمایم.

رحمان محمدی



نشریه تاریخی فرهنگی سروش

شماره دوم تابستان ۱۴۰۰

مدیر مسئول : طارق مدرس پور

سر دبیر : رحمان محمدی

دبیر هنری: یگانه زینتی

ویراستار : ابوالفضل مرامی

روابط عمومی : امیر کریمی

هیئت تحریریه : دکتر کوروش فتحی ، دکتر شیوا حیدری ، سجاد جلیلیان ، امیرحسین امامی ، مبین قادرمرزی

فهرست مطالب نشریه

۴

تاریخ در آئینه شعر

۸

ادبیات در بستر تاریخ

۵

حکیم ابوالقاسم فردوسی

۱۰

جشن تیرگان

۷

انقلاب اسلامی و مسائل خلیج فارس



تاریخ در آئینه شعر

دکتر کوروش فتحی

نهضت سربداران خراسان است که بدون شناخت شعر او، هر نوع تاریخ‌نگاری در مورد نهضت سربداری ابر خواهد بود.

واجب بود از راه نیاز، اهل زَمَن را
درخواستن از حق به دعا، شیخ حسن را
آن سایه ی یزدان که چو خورشید بیاراست
رایش به صفـا، روی زمین را و زَمَن را

بیان تلخکامی های تاریخی از زبان شعر از دیگر کارکردهای شعر است. در هنگامه استبداد زمانه از چنگیز و تیمور تا ناصرالدین شاه و رضاشاه، این شعر است که مرهمی بر زخم مردمانی است که استبداد تا مغز جانشان را می آزد.

رفت شاه و رفت ملک و رفت تاج و رفت تخت
باغبان زحمت مکش کز ریشه کنند این درخت

شعر زبان نهان زمانه است و همین زبان نهان است که شور مردمی را برمی انگیزد و حرکت های اجتماعی و انقلابی را سامان می دهد. بنابراین محقق تاریخ در یافتن لایه های نهانی جامعه در گذر زمان، بازنمایی اوضاع اجتماعی و سیاسی هر دوره و درک وضع روانی و فرهنگی گذشته تاریخی، قطعاً و حتماً به شعر به عنوان یک منبع مستند نیاز دارد. کارکرد استنادی شعر در آن است که تاریخ‌نگار ایده های سیاسی، اجتماعی و عقلی را با تکیه بر بیت یا ابیاتی از شاعران تأیید می کند و گاه از آن برای تفسیر وضع تاریخی یک دوره سود می برد.

از منظری دیگر، شعر در آموزش و تدریس تاریخ نیز کارکرد بسیار زیادی دارد. تلطیف زبان تاریخ که گاه بسیار خشک و فاقد انعطاف است از کمترین کاربردهای شعر در آموزش و تدریس تاریخ است. معلم تاریخ با بهره گیری از شعر چه در بیان و توضیح تاریخ و چه در تفسیر و تبیین گذشته، موجبات افزایش توان یادگیری فراگیران را فراهم خواهد آورد. همچنین خیال‌انگیز بودن و موسیقایی بودن شعر، خستگی یادگیری تاریخ را برای یادگیرندگان کاهش داده و حتی در امر به خاطر سپاری و فهم دانسته های تاریخی یاریگرشان خواهد بود.

از همان دم که محمد وصیف نخستین شعر پارسی را در ایران بعد از اسلام سرود تا به امروز، شعر پارسی که در ظاهر کلامی موزون و مسجع و حاصل خیال تلقی می شد، در واقع پاسدار هویت ایرانی و آئینه زمان خود بوده است. در همان زمان که ایران و سپاهیان ایرانی در برابر تهاجمات پر شمار اقوام چادرنشین شرقی و مغول و تاتار تاب مقاومت نیاورد و نتوانست از عهده مرزداری و مرزبانی این خاک و دیار برآید، این شعر و کلام پارسی بود که با تعامل و همدستی حکمت، فلسفه پاسداری هویت و مرز تاریخی - سیاسی ایران را نمود. هویتی که حتی مرزهای سیاسی قرن حاضر که حاصل نیت و اهداف دول استعماری بود نیز نتوانست آن را خدشه دار سازد. تا جایی که نغمه گوش نواز و جان فزای شعر حافظ و سعدی و مولوی و فردوسی و ده ها نمونه دیگر از زبان و کلام مردمان آسیای میانه و قفقاز تا هند و حتی آنسوتر از مرزهای چین طنین انداز است.

به شعر حافظ شیرازی می رقصند و مینازند
سیه چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی

چگونه است که در دورانی که هنوز مفهوم سیاسی مرز وجود نداشت، ایران تاریخی در پیوند با فرهنگ شکل گرفت؟ به زعم بسیاری از محققان این شعرپارسی و شاعر ایرانی بوده که علاوه بر افزودن به غنای فرهنگی این سرزمین در نقش مرزبانان ایران ظاهر شدند. بنابراین می توان گفت که شعر جدای از هر کارکرد ادبی و هنری، پدیده ای است با کارکرد سیاسی و تاریخی. اگرچه شعر و تاریخ دو حوزه جدا از هم هستند و درک سازگاری این دو در یک اثر مشکل است، چون خاستگاه اولی خیال است و خاستگاه دومی عالم واقع، اما شعر به عنوان ابزاری سودمند و سازنده، حضور گسترده ای در متون تاریخی و اندیشه های تاریخ‌نگارانه دارد. تاریخ‌نگاران برای بیان مقاصد خود از و گاه تبیین و تفسیر رخدادها از آن بهره ها برده اند. هم زمانی و بازتاب دادن وضع موجود از جمله کارکردهای اساسی شعر است. شعر عبید زاکانی آئینه اوضاع آشفته عصر مغول است؛ عصری که حاکمینی بیگانه و غیرمسلمان آن را پر از انواع مفاسد کرده بود و اگر مؤرخان به واسطه محدودیت های سیاسی و اخلاقی زبان بیان آن را نداشتند، این شعر عبید است که وضع زندگانه زمان خویش را با آزادی بی مثالی ترسیم کرده و محقق امروز در بازنمایی آن دوره، بیش از متون تاریخی به آن استناد می کند. دیوان های شاعران، حوادث و رویدادهای زیادی را در بردارد و هر شاعری متناسب با زمانه ای که در آن زیسته، آن ها را بیان کرده است. ابن یمین فریومدی روایتگر دوران سراسر شور



حکیم ابوالقاسم فردوسی

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد



ابوالقاسم منصور بن حسن ملقب به فردوسی از حماسه سرایان بزرگ ایران و استاد بی همتای شعر فارسی، بزرگ ترین حماسه سرای ایران و یکی از حماسه سرایان بزرگ جهان است. اثر جاویدان او شاهنامه، در شمار بهترین آثار حماسی عالم است. این اثر بزرگ که در حدود پنجاه هزار بیت دارد، در شرح تاریخ ایران از قدیم ترین عهد تا حمله عرب در قرن هفتم میلادی می باشد که شامل قسمت های اساطیری، داستانی و قسمت تاریخی است.

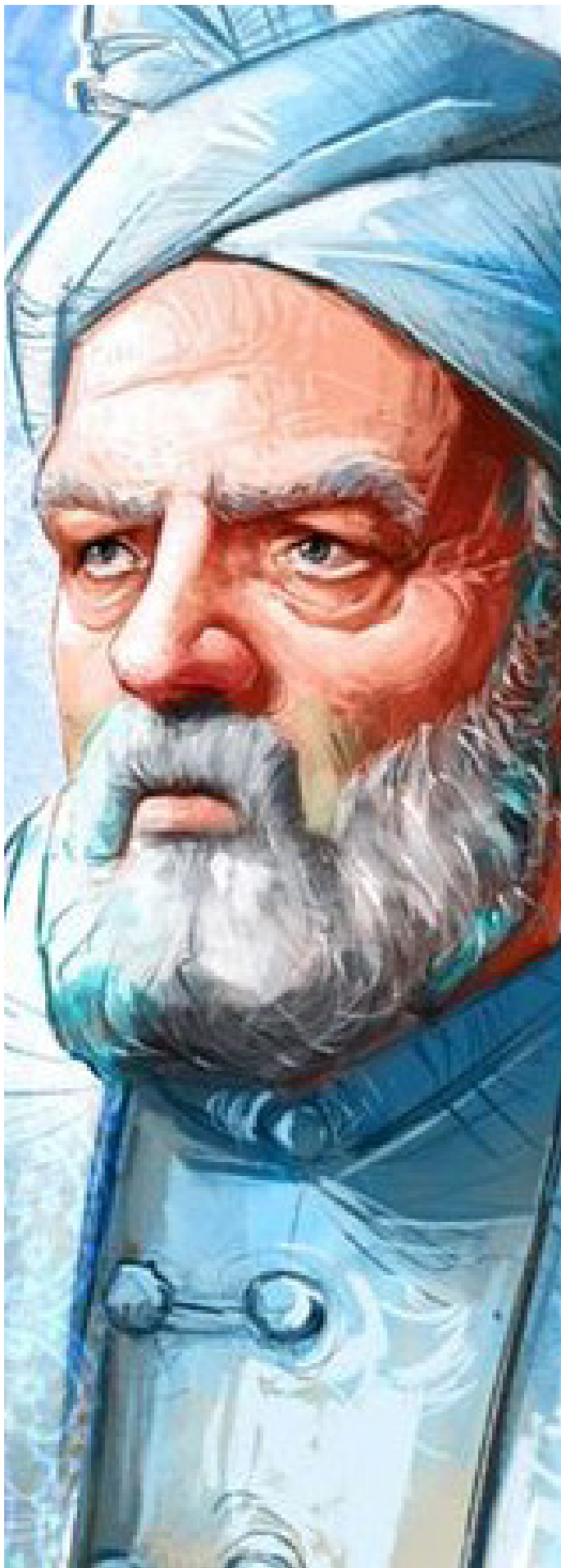
فردوسی با سرودن شاهنامه نه تنها تاریخ گذشته ایران را جاودان کرد، بلکه برای تمام ایرانیان این تاریخ را در طول تمام سده ها زنده نگه داشت. شاهنامه کتاب اسطوره های ایرانی است. اگر فردوسی شاهنامه را نمی سرود، امروز به بسیاری از این اسطوره ها دسترسی نداشتیم.

گذشته از این، شاهنامه کتاب داستان های کهن ایرانی است؛ کتاب آداب و رسوم و آئین های کهن نیاکان ماست. فردوسی سی سال بی وقفه کار کرد تا شاهنامه را به پایان برساند. شاهنامه تقویم مصور حماسه و تاریخ و فرهنگ ایران زمین است.

فردوسی در حفظ جانب امانت هنگام نقل مطالب، به کاربردن نهایت مهارت در وصف مناظر طبیعی و میدان های جنگ و قهرمانان منظومه خود و لشکر کشی ها و نظایر این ها و ذکر حکم و مواعظ دلپذیر در تضاعیف داستان ها و آغاز و انجام قصص، کمال توانایی را نشان داده است. این شاعر استاد، در بیان افکار و نقل معانی و رعایت سادگی زبان و فکر و صراحت و روشنی سخن و انسجام و استحکام و متانت کلام به درجه ای از قدرت است که کلامش همواره در میان استادان، نمونه اعلا فصاحت و بلاغت شمرده شده و به منزله سخن سهل و ممتنع تلقی گردیده است. (صفا، ۱۳۷۴: ۱۳۲)

حکیم فردوسی، از لحاظ زنده کردن تاریخ و داستان ملی و از جهت دمیدن نفس تازه به زبان فارسی، بی شک در زمره بزرگ ترین شاعران است و هیچ شاعر پارسی زبان ما در این هنر بلند پایه، به مقام رفیع او نمی رسد.

دکتر خالقی مطلق بر این باور است که هیچ کتابی در ادبیات فارسی و حتی ادبیات جهان وجود ندارد که مانند شاهنامه فردوسی، در سرنوشت و فرهنگ یک ملت نقش ایفا کند و تا به این پایه اثر گذار باشد. محمد علی اسلامی ندوشن فردوسی پژوه معاصر نیز شاهنامه فردوسی را تنها کتاب در



ادبیات جهان می‌داند که در سرنوشت یک ملت تغییر ایجاد کرده است. شاهنامه در بادی امر داستان رزمی ایران است و از آن جهت تصور خواننده بر آن است که سراسر کتاب مشحون است از جنگ و دلاوری‌های قهرمانان؛ ولی درحقیقت چه بسا معانی باریک و مطالب فلسفی، اخلاقی و اجتماعی ژرفی در تار و پود این اثر عظیم نهفته است.

نتایج اخلاقی و اجتماعی که در سراسر این اثر سترگ چشم انداز است، حکایت از عبرت‌انگیزی و پندآموزی‌هایی دارد که بس سرشار از سودمندی و دقت نظر است و هر خواننده‌ای را بر آن می‌دارد که حداقل یک بار هم که شده، این اثر را از نظر بگذرانند و با اصول انسانی نهفته در آن آشنا شود و درس بیاموزد.

این دیوان ارجمند سند ملیت ماست؛ آن زمان که زبان و ادب پارسی و فرهنگ و آداب و رسوم ما در مقابل نفوذ زبان و ادب تازی سیری عقب‌گونه را در پی داشت، شاهنامه جانی تازه در کالبد به گل فرونشسته تاریخ و ادبیات ایران دمید و سبب اعتلای این فرهنگ متمدن گردید و حیاتی جاودان را به آن هدیه داد.

ملتی که مردانگی، فتوت، دلیری و شجاعت در مقابل جنگاوری و پیکار را سرلوحه اعمال و کنش‌های خود قرار داده و کمر همت به انجام آن بسته و مقید و متعهد به آیین‌ها و روش‌های نیاکان و اجداد خود است؛ ملتی که در هر حال به مناسبت زمان و مکان خود را مقید می‌داند سپاسگزار و شاکر پروردگاری باشد که موجبات اعتلای این فرهنگ را فراهم نموده است. شاهنامه سرگذشت شاهان است و یادنامه پهلوانان و شعری شورانگیز و آهنگین که نمایشگر دلیری‌ها و شگفتی‌هاست. فریاد دل‌های نیاکان ماست، آن‌ها که روزی شکوهی داشتند و آن‌ها که از نابودی عظمت ایران کهن دل‌آزاده‌اند. بازگشت به گذشته و آگاهی از ریشه‌ها، وظیفه هر اندیشمند فرهیخته‌ای است. این کتاب صرف نظر از همه برتری‌ها و ویژگی‌ها و مزایای شعری و شیوایی‌های کلامی و بلاغی، گنجینه‌ای است از آگاهی‌های اجتماعی و تاریخی و سند منحصری است در شناخت سنت‌های ملی و جلوه‌گاهی از مآثر باستانی ملت ایران که همواره شایسته بوده و هست. (سپهری، ۱۳۸۱: ۱۵)



بی بدیلی را ایفا می نمایند. به طوری که مهم ترین ارزش و اهمیت این منطقه، وجود منابع سرشار نفت در خلیج فارس و کشورهای حوزه آن می باشد. در واقع با توجه به اهمیت نفت در تهیه انرژی و به عنوان نیروی محرکه صنایع و ماده اولیه تولید کالاهای اساسی، نفت در طی قرن بیستم عامل بسیار مهمی در تحولات نظامی، سیاسی و اقتصادی جهان بوده و خواهد بود. در این بین شاهد هستیم که انقلاب اسلامی با اتخاذ سیاست های ضد استعماری خود، منافع بسیاری از کشورها و قدرت های غربی وابسته به نفت، بازار و موقعیت استراتژیک منطقه خلیج فارس را شدیداً به مخاطره افکنده است. قدرت های فرامنطقه ای برای ادامه حضور و کسب منافع، بایستی بر منطقه سلطه یابند و برای تداوم بخشیدن به این سلطه، حضور دولت های وابسته منطقه ای در ثبات سیاسی منطقه خلیج فارس نقش کلیدی را ایفا می نماید و این گزاره به این معناست که ثبات سیاسی، جز با ادامه و حفظ وضع موجود امکان پذیر نمی باشد. اما با پیروزی انقلاب اسلامی، این ساختار به طور جدی به چالش کشیده شده است؛ زیرا گسترش تفکر انقلابی در کشورهای منطقه، می تواند نفوذ غرب را به شدت کاهش داده و حیات اقتصادی آن را در این منطقه به خطر اندازد و در نتیجه تسلط بر منطقه و جهان را دشوار نماید.

اصولاً خلیج فارس و مناطق مرتبط به آن، به مثابه یک ناحیه جغرافیایی به تنهایی و در انزوا نمی توانند اهمیت و ارزش خاصی در بر داشته باشند؛ بلکه تنها با در نظر گرفتن مولفه های دیگر، می توان اقدام به هویت بخشی به یک ناحیه جغرافیایی نمود. بر این اساس وقایع سیاسی همیشه در حوزه های جغرافیایی معینی صورت می پذیرند و عوامل جغرافیایی بر شکل آن ها تاثیر گذار هستند. با این وجود هر چند جغرافیا را می توان به عنوان یکی از عوامل مهم در قدرت ملی محسوب نمود؛ ولی نباید این نکته را دور از ذهن نگاه داشت که اهمیت آن به طور نسبی از عواملی چون اقتصاد، تکنولوژی، قدرت و روحیه انسانی ناشی می شود. در واقع تمامی مولفه ها زمانی معنا و مفهوم واقعی خود را به منحصه ظهور می گذارند که در مقام مقایسه با سایر کشورها در زمان، مکان و موقعیت خاصی قرار گیرند. بر این اساس می توان دریافت که یکی از اساسی ترین علل توجه به منطقه خلیج فارس در طی قرون متعادی، در ویژگی ها و اهمیت ژئوپلیتیکی این منطقه نهفته است.

خلیج فارس در گذشته نه چندان دور به عنوان یکی از راه های مواصلاتی غرب به هندوستان، دارای اهمیت خاصی بوده است. همچنین در رابطه با کشورهای حاشیه خلیج فارس، این موقعیت ارزش غیرقابل انکاری را دارد. از طرفی کشور ایران به صورت پل ارتباطی بین شرق و غرب و همینطور، به صورت حد فاصل بین روسیه و خلیج فارس و دریای عمان قرار دارد. از سوی دیگر، شبه جزیره عربستان از نظر جغرافیایی دو آبراه مهم خلیج فارس، یعنی دریای عمان و دریای سرخ را در سواحل خود دارد. همینطور، کانال سوئز نیز در رابطه با بحر احمر و تنگه باب المندب دارای اهمیت می باشد.

یکی دیگر از مولفه های اهمیت بخش به مسئله خلیج فارس، مرتبط با بازار این منطقه می باشد که در این بین اهمیت طبیعی از جمله نفت، گاز و سایر منابع طبیعی در حیات این بازار نقش

پیشنهاد برای مطالعه بیشتر
: کتاب خلیج فارس و مسائل
آن، دکتر همایون الهی، نشر
قومس

ادبیات در بستر تاریخ

امیر حسین امامی

ای می بخشند و شخصیت های واقعی ادوار مختلف را، با طرز فکر و عادات و خصوصیات هر کدام، برای خواننده مجسم می سازند. نمونه این هنر را می توان در تشریح دوره نفرت انگیز سلطنت جان یا کناره گیری ریچارد دوم یا مصیبت های هانری چهارم یافت. (شکسپیر، ۱۳۹۶: ۱۳) در این میان به معرفی نمایشنامه حکم در برابر حکم می پردازیم. قبل از معرفی کامل نمایشنامه، بهتر است که زمینه تاریخی نمایشنامه را بررسی کنیم.

شکل گیری نخستین دولت ملت ها را

بی گمان باید در تاریخ انگلستان

جستجو کرد. شاید وقتی

هنری هشتم در آن لحظه که

بر طلاق ملکه می شتافت؛

هرگز در ذهنش آشوب ها

و جنگ های داخلی چند

دهه بعدی را متصور نمی

شد. تاریخ انگلستان در

پی قانونی کردن طلاق

پادشاه هنری هشتم،

دگرگونی وسیعی

یافت؛ به گونه ای که

اقدام وی در وهله اول،

زمینه جدایی کلیسای

انگلستان (انگلیکان) را از

کلیسای کاتولیک رم

فراهم ساخت. خود

این امر، موجب

ریاست هنری

بر کلیسای

انگلیکان

شد. در

وهله دوم،

اقدام هنری را

می توان به مثابه

اقدامی به تمام معنا

انگلیسی نیز تعبیر

کرد؛ چرا که از خروج

بخش اعظمی از مالیات به

قصد خزانه پاپ جلوگیری

کرد. اقدام هنری هشتم به

تبع، زمینه اختلافات مذهبی میان

ادبیات هر جامعه ای بازتابی از جامعه و شرایط تاریخی زمانه خود می باشد. در این میان پرداختن به آثار ادبی زمان گذشته، می تواند ابهام بسیاری از مسائل تاریخی را بزداید. ادبیات نه تنها ابزاری در جهت بیان رویداد ها بوده؛ بلکه به چگونگی وقوع رویداد ها نیز می پردازد. در این راستا ادبیات همواره در بررسی مطالعات تاریخی، مورد توجه و اهمیت بوده است. بی توجهی به این گنجینه عظیم ادبی، پیامدهای ناگواری را در تاریخ نگاری به دنبال دارد. در تاریخ کشور ما نیز، آثار ادبی

بسیاری وجود دارند که سرشار از اطلاعات تاریخی

و اجتماعی دوره های مختلف تاریخی هستند.

از جمله این آثار می توان به قابوس نامه،

داستان سمک عیار و ... اشاره کرد. بررسی

این آثار نه تنها ما را با تاریخ اجتماعی

آن دوره ها آشنا می کند، بلکه خود

آن آثار زمینه تداوم هویت ملی را نیز

فراهم می سازند. در بررسی تاریخ

جهان نیز، آثار ادبی بسیاری وجود

دارند که رمان جنگ و صلح،

رمان بینوایان و ... از جمله آن ها

به شمار می روند. در این میان

آثار شکسپیر نیز در کنار

ویژگی های ادبی، اهمیت

تاریخی ویژه ای دارند.

ویلیام شکسپیر (۱۶۱۶-

۱۵۶۴م) ادیب و نمایشنامه

نویس بزرگ انگلیسی،

در نیمه قرنی می زیست

که انگلستان یکی

از باشکوه

ترین دوران

تاریخ خود را

طی می کرد

و محیط او مملوء

از سیاستمداران،

مکتشفان، نویسندگان و

سیاحان بزرگ بود؛ ولی

او توانست بین این بزرگان،

مقامی بلند پایه برای خود کسب

کند. وی طی ۵۲ سال عمر خود، در

حدود ۳۷ نمایشنامه و ۱۵۴ غزل یا قصیده

به اضافه قطعات منظوم دیگر نوشت. نمایشنامه

های تاریخی او، به وقایع بی روح و کهنه روح تازه



کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها را آشکارتر ساخت. در انگلستان پس از هنری، شاید بتوان دوره ملکه الیزابت اول را دوره مهمی ارزیابی کرد.

ملکه الیزابت (۱۶۰۳-۱۵۵۸م) را می‌توان یکی از مقتدرترین حاکمان انگلیس نام برد. وی با وجود اینکه پروتستان بود؛ در دوره سلطنت خود با اتخاذ سیاست اعتدال و میانه روی در زمینه‌های مذهبی و سیاسی، توانست تعادلی در فضای داخلی و خارجی انگلستان ایجاد کند. بررسی این دوره تاریخی از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ چرا که کشمکش‌های خونین و درگیری میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها، بخشی وسیعی از تاریخ اروپا در دوره جدید را در بر می‌گیرد. این کشمکش‌ها تا به ثمر رسیدن صلح وستفالی (۱۶۴۸م) ادامه می‌یابد. ویلیام شکسپیر نیز در همین دوران می‌زیسته است. هنر وی در عرصه تئاتر و نمایش سبب موفقیت و شهرت وی شد؛ به گونه‌ای که حتی حمایت‌های ملکه الیزابت اول را نیز جلب کرد. یکی از مهم‌ترین نمایشنامه‌های وی، نمایشنامه حکم در برابر حکم می‌باشد. این نمایشنامه که در سال ۱۶۰۴ میلادی نگارش یافته، برگرفته از انجیل متی می‌باشد:

«حکم مکنید تا بر شما حکم نشود؛ زیرا بدان طریقی که حکم کنید بر شما نیز حکم خواهد شد و بدان پیمان‌ه ای که پیمایید، برای شما خواهند پیمود. و چون است که خس را در چشم برادر خود می‌بینی و چوبی را که در چشم خود داری نمی‌یابی؟ یا چگونه به برادر خود می‌گویی: «اجازه ده تا خس را از چشم بیرون کنم»؟ و اینک چوب در چشم توست؟ ای ریا کار، اول چوب را از چشم خود بیرون کن، آن گاه نیک خواهی دید تا خس را از چشم برادرت بیرون کنی!» (شکسپیر، ۱۳۹۹: ۸)

همان‌طور که اشاره شد، اقدام هنری هشتم در جدایی از دایره حاکمیت کلیسای پاپ، منجر به استقلال کلیسای انگلستان گردید. چنین فضایی موازنه را بیشتر به نفع پروتستان‌ها تغییر داد؛ به طوری که پس از مرگ الیزابت اول، جنبش اصلاحی اعتراضی در میان پروتستان‌ها شکل گرفت که به «نهضت پیوریتانیسم» منجر گردید. اقدامات این جنبش، زمینه جنگ‌های داخلی انگلستان (۱۶۵۲-۱۶۴۱م) را فراهم ساخت. شکسپیر که در فضای پسا هنری می‌زیست، افراط‌گرایی دینی زمان خود را درک کرده بود. وی در نمایشنامه فوق‌شدیدا به این مسئله می‌پردازد. او در این نمایشنامه به خوبی اوضاع و شرایط جامعه خود را وصف می‌کند. در کنار افراط‌گرایی دینی که شکسپیر در این نمایشنامه به بیان آن می‌پردازد، به مسائل مختلفی چون رحمت، عدالت و حقیقت و رابطه‌ی آن‌ها با تکبر و تواضع، قشر‌گری و خشکه مقدس بودن حکام و لغزش آن‌ها در مسائل اخلاقی، سوء استفاده از ابزار قدرت و ... می‌پردازد. (شکسپیر، ۱۳۹۹)

به‌طور کلی نمایشنامه حکم در برابر حکم، از این نظر که نمایه‌ای از انگلستان قرن ۱۷ می‌باشد و تاریخ اجتماعی زمانه شکسپیر را در خود منعکس می‌کند، ارزش بسیاری دارد.

منابع:
شکسپیر (۱۳۹۶)، تلاش بیهوده عشق، ترجمه علاء الدین بازارگادی، نشر علمی فرهنگی
شکسپیر (۱۳۹۹)، حکم در برابر حکم، ترجمه علیرضا مهدی پور، نشر چشمه





مبین قادرمرزی

جشن تیرگان

حاضر می شد در حالیکه سالخوردگان هر کدام شعری را می خواندند همان دختر دستش را درون کوزه برده و جسمی را به طور تصادفی از آن بیرون می آورد کسی که قبلا این جسم را با نیت قبلی درون کوزه انداخته بود می فهمید که شعر خوانده شده وصف حال اوست.»

۳- دستبند تیر و باد

در صبح روز سیزدهم و بعد از خوردن شیرینی هر کس که آرزویی داشت و یا قصد داشت نیتی کند بندی به نام تیر و باد که از هفت ریسمان هفت رنگ بافته شده بود به میچ دست خود می بست و نه روز بعد آن را باز می کرد و در منطقه مرتفعی مانند پشت بام، بالای کوه، روی درخت و... می ایستاد و بند را می انداخت و همزمان این بیت را زمزمه می کرد:

«تیر برو باد بیا غم برو شادی بیا

محنت برو روزی بیا خوشه مرواریدی بیا»
منظورشان از سرودن این بیت این بود که باد رنج و غم ها را از آنها و منطقه مسکونی شان دور سازد و متقابلاً شادی و خوشبختی را برای آنها به ارمغان آورد.

۴- لال شیش (ترکه)

به این مراسم نوروز طبری نیز می گویند. شب قبل از جشن شب سیزدهم تیرماه جوانان ترکه به دست به سوی خانه ای می رفتند و در آن خانه را به صدا در می آوردند. صاحب خانه با گشاده رویی تمام از آنها استقبال می کرد و جوانان به طور سمبلیک با همان ترکه ها او را می زدند و بعد از گرفتن هدایا ترکه را به صاحبخانه مضروب تحویل می دادند او نیز ترکه ها را به عنوان شی متبرک نگاهداری می کرد شاید به این مقصود که می تواند تباهی ها و پلیدی ها را با این چوب در

جشن تیرگان یکی از جشن های ایرانی است که در روز تیر از ماه تیر برابر با دهم تیرماه برگزار می گردد. جشن تیرگان در فرهنگ ایران به منظور گرمی داشت تیشتر «ستاره باران آور» رواج داشت و بنا به سنت در روز تیر از ماه تیر انجام می گردید. این جشن فرخنده در حدود نه روز ادامه داشت و به همراه سده و نوروز و مهرگان از جمله مهم ترین جشن های ایرانیان بود.

«در جشن تیرگان مردم به کنار چشمه ها و رودها می رفتند و ضمن آب تنی مراسمی به شکل آب پاشی می دارند که به آن اب ریزگان، آب پاشان یا سرشوران می گفتند»

هدف این جشن آرزوی ریزش باران و مقابله با خشکسالی بود. در این جشن تعدادی باور مردمی و عمومی وجود داشت که در حین جشن برگزار می گردید. به تعدادی از آنها به اختصار اشاراتی می گردید:

۱- جشن آب پاشان «آب ریزان»

ابوریحان بیرونی می نویسد «بیژن بر چهره کیخسرو که کنار چشمه خوابیده بود آب پاشید تا چشم خود را باز کند و ایرانیان به همین منظور به سر و صورت خود علاوه بر شستشوی و روزانه آب می پاشند.»

۲- فال کوزه

«روز قبل از جشن به دوشیزه ای منتخب کوزه ای سفالی سبز رنگ دهان گشاد می دادند که اصطلاحاً آن را دوله می نامیدند. این فرد با آب تمیز کوزه را پر می کرد و بر دهانه کوزه دستمال سبز رنگ ابریشمی قرار می داد. پس کوزه را نزد مردم می برد آنهایی که آرزو داشتند جسم کوچکی چون سکه، سنجاق، انگشتر و... در کوزه می انداختند و دختر جوان کوزه را برداشته و بین جمعیتی که در جشن حضور داشتند



طول سال از خانه اش بیرون کند.

۵- سفال شکستن

در این زمینه دو دیدگاه وجود دارد یکی اینکه چون مردم مدت های طولانی در محاصره افراسیاب تورانی قرار داشتند و نمی توانستند با آسایش و آرامش زندگی کنند و نیازهای روزانه شان را تامین سازند بعد از پیروزی کیخسرو بر افراسیاب و فراهم شدن امنیت کامل مردم به آن روزهای سخت و مصیبت بار و آرزوی عدم تکرار آن گندم را پخته و آن را می خوردند و سپس ظرف های سفال را می شکستند و دیدگاهی دیگر که می گوید که این امر مربوط به بزرگداشت مقام تیر است و بعدها در پیوند با آرش کمانگیر قرار گرفت. برخی از پژوهشگران بین جشن تیرگان و آرش کمانگیر و کیخسرو پادشاه سلسله کیانی پیوند برقرار ساختند. آرش در اوستا به شکل «ارخش» دارای تیر تیزرو و سخت کمان آمده است این اسم در پهلوی ستاک تیر و به فارسی پیشوا و یا آرش کمانگیر است.

۶- آرش کمانگیر و جشن تیرگان

آرش کمانگیر از مردمی ترین چهره های اساطیری و حماسی ایرانی است که از آغاز ادبیات ایرانی مورد توجه مردم ایران بوده است. یکی از اسطوره های در پیوند با جشن تیرگان افسانه بسیار زیبا و دلکش آرش کمانگیر یا شیوا تیر است. آرش برای ایرانیان همیشه چهره ای محبوب داشته است به گمان از این روی بوده است که نویسنده های سده های گذشته کوشیده اند تا داستان آرش کمانگیر را با جشن تیرگان بیامیزند و به آرش مرزساز همان هیکلی را بدهند که برای تشر آب ساز و زندگی آفرین می شناسند و این اهمیت مرز را در نزد ایرانیان می رساند. گمان می رود که تیریشیت به ویژه با بندهای ۶،۳۷،۳۸ نخستین منبع نویسندگان اسلامی درباره آرش باشد. مطابق اوستا اهورامزدا بر تیر می دمد و امشاسپندان و مهر دارنده دشت های فراخ راه گذر تیر را فراهم می آورند و ایزدان اشی و پارند سبک گردونه او را همراهی می کنند. تیر روز چهاردهم تیر ماه که تیرگان بزرگ نامیده می شود در هزار فرسنگی در حوالی فرغانه فرونشست از آن سو در فلات پامیر بام جهان تاجیکان در دامنه های جنوبی کوه مشتاق دشت سبز و بیکران گسترده است و این سبزه زار مخملین شهری کوچک و صمیمی را به نام تاشکوران «تاج گوران» در آغوش دارد که در آن و در کوه ها و مرغزاران عشایر فارسی زبان تاجیک زندگی می کنند که خود را نه عشایر بلکه سرکوهی می نامند. درختی گردوی پیر در آن دیار است که بر پایه داستان های تاجیک می گویند همان است که تیر آرش بر آن نشست و مرز ایران و توران از یکدیگر بازشناخت. به این درخت نیز درخت آرش می گویند و به همین دلیل کوه افراسیاب و دره شینگان ار که در کنار آن است مرز ایران و توران می خوانند.

۷- کیخسرو و جشن تیرگان

برخی بین جشن تیرگان و کیخسرو پیوندی برقرار کرده اند. کیخسرو پادشاه اسطوره ای ایران در دوره کیانیان است. نام او در اوستا «کوی هو و سره» یا «کوی هو سر و نگه» در پهلوی «کوی

هو سرو» و در فارسی «کیخسرو» است. او فرزند سیاوش مقتول و فرنگیس است که از دو پدر بزرگ متفاوت برخوردار است. پدر پدرش کاووس و پدر مادرش افراسیاب است که روزگاری دراز دشمن هم بودند. او مشابه جمشید از شخصیت های مشترک هندوایرانی است. در ودا نامش «سوشروس» آمده است. در اوستا با عنوان فرهمندترین، دلاورترین و بزرگترین شهریار ایرانی است. نام او نیز از دو بخش کی «عنوان پادشاهی» و «هوسروه» به معنای نیک نام یا خوشنام تشکیل شده است. پایان دوران اساطیر ایرانی در شاهنامه فردوسی و حماسه ملی ایرانیان به او مربوط می شود. از این جهت هیچ پادشاهی مقام او را ندارد. او موفق شد جنگ خونین و دامنه دار ایرانیان و تورانیان را به انتها برساند. می توان گفت که شهریاری کیخسرو با چگونگی شگفت آغاز و پایانش و با آنچه در هنگام و هنگامه آن می گذرد نمونه آرمانی شهریاری و رهبری کامل و بی کم و کاست از دیدگاه ایرانیان بوده است. به کیخسرو انجام کارهای بسیار مهمی نسبت داده اند انتقال قدرت از دودمان شاهی به غیرشاهی، او آگاهانه و از سر انصاف پسرش را جایگزین خود نگردانید بلکه یکی از سرداران شایسته به نام لهراسب را به عنوان جانشین برگزید از این رو لهراسب اولین پادشاه سلسله ایرانی در دوران کیانی است که پیشوند «کی» ندارد. همچنین دست کشیدن آگاهانه و داوطلبانه از قدرت کاری که برای سیاستمداران و حکومتگران امری محال و غیرممکن به نظر می رسید.

بر گرفته از: یونسی، محمد تقی و خوشه چین، علی، اسفندماه ۱۳۹۷، «پژوهشی در جشن ها و آیین های ایران باستان با تاکید بر جشن تیرگان و مهرگان»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی تحقیقات ادبی دانشگاه علامه طباطبایی





عکسی از شماره قبلی (یکم) نشریه سروش